

## جلوه‌های مدیریت در سیمای نماز

نوشته محمدرضا اهلنجیان

### چکیده

اگر به احکام الهی از منظرهای گوناگون بنگریم، نتایجی حاصل می‌آید که چه بسا کشف حقیقت عینی آن نباشد، اما چنین امری واجد این حسن عولهد بود که از دریچه چشم بشری، انبساط بیشتری در فلسفه آن حکم ایجاد می‌کند. در این مقاله تلاش شده است تا نماز، از چشم‌انداز مدیریتی مورد بررسی واقع شود. به این منظور کارکردهای پنج گانه مدیریت، مبنای این مطالعه قرار گرفته است تا خاطر نشان سازد که فریضه نماز در چوهر هدلهای متعالی خود، می‌تواند به بشر تعوین مدیریت نیز بدهد.

### مقدمه

عقاید خود که عمدتاً مبنی بر وحی و کلام استنباط شده نبی از وحی استوار بوده است، و چه در سیره بزرگان مذهب، به این امر توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. پیامبران موفق شده‌اند که عالیترین نمودهای رهبری را در طول تاریخ تمدن بشری به نمایش بگذارند. هرچند که سهم آنان در این کار یکسان نبوده است.

در دین مبین اسلام، از جمله بارزترین نشانه‌های پندار و کردار رهبری، در حدیث و سیره رسول گرامی اسلام (ص) و سلاله پاک وی (ع) تجسم یافته است. به ویژه در منطق شیعه که امامت و ولایت جزه اصول مسلم اعتقادی محسوب می‌شود، جایگاه رهبری رفعت بیشتری می‌یابد.

در مجموعه اصول و احکام دین مبین، نا حد قابلیت درک ذهنی بشر، همه جا آثار ژرف‌نگری و عمه سونگری مشاهده می‌شود. لذا این مقاله که به قصد بررسی جلوه‌های مدیریت در سیمای نماز نگارش یافته، شأن نماز را فراتر از آن می‌داند که متأثر از تراوشهای اندیشه بشری

مدیریت به معنی گرداندن و سرپرستی کردن است<sup>(۱)</sup>، اما الزاماً اداره کردن دیگران نیست، بلکه اداره کردن خود و انجام امور مربوط به خویش است، اهم از اینکه ابعاد مادی و جسمی دارند یا دارای ابعاد روحانی و غیرجسمی هستند.

اکنون قرنهاست که بشر با بهره‌گیری از توانمندیهایی شناختی خود به مفهوم مدیریت، اندیشیده و با تأمل در آن، زندگی خود را به کمک این ابزار خردپذیر، بهبود بخشیده است. در همین همین کاربستهای مدیریت در زندگی بوده که بشر به فراست دریافته است که به ویژه در عرصه زندگی اجتماعی‌اش ملزم به پذیرش یک نظام رهبری و مدیریت است. نکته حایز اهمیت این است که، مسامهی نظری و کوششهای عملی انسان، در این مقوله، نشانه تحقق کامل آن به حساب نمی‌آید و چه بسا دانسته‌های موجود در این باره بسیار بیشتر از نادانسته‌های محتمل باشد.

در این میان ادیان بزرگ الهی نیز چه در قالب اصول

باشد، تا آنجا که پاره‌ای از علما معتقدند علم بشری از تبیین تمام مبانی و فلسفه وجودی احکام قاصر است و به احکام به عنوان تکلیف عبادی محض می‌نگرند. در عین حال، در ریچه مدیریت که به نماز توجه شود، به نظر می‌آید که خداوند متعال در این فریضه به نمازگزاران تعریف مدیریت می‌دهد.

### کارکردهای مدیریتی نماز

مدیریت مجموعه‌ای از فعالیتهای منظم و مرتبط به یکدیگر را شامل می‌شود که با تلفیق منابع انسانی و مادی، خواهان دسترسی به هدفهایی خاص، و به بهترین نحو ممکن است. در متداولترین شرح و تفسیرهای مدیر که هنری فایول ارائه کرده، و پنج کارکرد مهم برای آن فرض شده است: برنامه‌ریزی - سازماندهی، هماهنگی، هدایت و انگیزش و نظارت که در اینجا ارتباط هر یک از آنها با نماز مورد بحث قرار می‌گیرد.

### برنامه‌ریزی

به ساده‌ترین عبارت، برنامه‌ریزی عبارت است از پیش‌بینی اقداماتی که در آینده صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی یعنی «فراگرد تعیین و تعریف اهداف سازمان و تدارک دقیق و پیش‌پیش اقدامات و وسایلی که تحقق اهداف را میسر می‌سازد» (۲). در هر برنامه توجه به دو نکته سبب اهمیت است، اول: دقت در هدف‌گذاری، دوم: پیش‌بینی دقیق آینده و زمان‌بندی طرح.

نخست - هدفگذاری، در نماز تعیین هدف به دقیقترین شکل آن صورت می‌پذیرد. تجلی این امر را باید در یکی از پنج رکن اصلی نماز یعنی «نیت» مشاهده کرد. در ضرورت هدف برای برنامه، گفته می‌شود که وجود آن از تشتت آراء، هرج و مرج، سلیقه‌ها و بی‌سازمی در هماهنگی جلوگیری می‌کند.

دوم - پیش‌بینی و زمان‌بندی، منظور از پیش‌بینی استفاده از فناوری است که نحوه و توالی به انجام رسیدن اقدامات بعدی را روشن می‌سازد. نماز به عنوان یک برنامه بلندمدت در زندگی مؤمن، دورتر دارنده دقیقترین و طولانیترین پیش‌بینیهاست، به نحوی که هیچ برنامه‌ای

۱- براساس یک قالب شعور می‌بایند.  
۲- براساس یک برنامه در دستبای به هدفهای آن است. که این امر ترند با توجه مداوم و مستمر به هدف در مرحله اجرا محسوس شود. درباره «نیت» می‌دانیم که «السان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد و باید توجه داشته باشد که چه می‌کند و در چه مرحله‌ای از سلیقه‌ها قرار دارد.

۳- در طول اجرای برنامه نباید از هدف اصلی عدول کرد، یا آن را به فراموشی سپرد و یا هدف دیگری را به جای آن نشانند، به همین علت در نماز، نیت فقط و انجام امر خداوند عالم است، پس کسی که ریا کند، یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند نمازش باطل است.»

تبعیت شده است. در سوره نساء، آیه ۱۰۳ می‌خوانیم: **إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا تَزُكَّرُونَ** یعنی همانا نماز را برای مؤمنان، فرمانی واجب و زمانی معین است. بر همین اساس دقیق‌ترین زمان‌بندیها در مورد وقت نماز مشاهده می‌شود. زمان دقیق انجام نمازهای یومیه به صورت زیر تعیین شده است:

- نماز صبح، هر صبح، از طرف مشرق، سپیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر اول می‌گویند، موقعی که آن سپیده پهن شد، فجر دوم و اول وقت نماز صبح است.

- نماز ظهر، هرگاه میزان سایه شیش مانند جنوب به حداقل خود برسد، چنانکه بعد از آن سایه به طرف مشرق برگردد، ظهر شرعی و هنگام نماز ظهر است.

- نماز عصر، "وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر وقت به مغرب مانده باشد." - نماز مغرب، "مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود... وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا موقعی که نماز مغرب به اندازه خواندن ۳ رکعت نماز بگذرد."

- نماز عشا، "وقت مخصوص عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد و نصف شب، نقطه میانی از اول غروب تا اذان صبح" است.

ب- انعطاف - همواره امکان اجرای برنامه در زمان دقیق آن وجود ندارد. لذا ضرورت واقع‌بینی حکم می‌کند که برنامه‌گذار با در نظر گرفتن احتمالات، انعطاف زمانی لازم را برای اجرا در نظر بگیرد. این انعطاف یا بهترین شرایط در مورد نماز و از جمله نمازهای یومیه مشاهده می‌گردد. پیوستار زیر این انعطاف و نشان می‌دهد.

مشاهده نشده و نمی‌شود که مانند نماز تا این احد مداومت داشته و ضمناً دقیق و حساب شده باشد. شاید به غلط تصور شود که چنین برنامه‌های تکراری است، در حالی که در اجرای برنامه تغییرات زیادی به وقوع می‌پیوندد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱- نمازهای واجب تنها نمازهای یومیه را شامل نمی‌شود، بلکه نماز آیات، نماز میت، و نمازهای دیگری که هر یک به شکل خاصی ادا می‌گردد و رانیز دزیر می‌گیرد. علاوه بر این نمازهای مستحب هر کدام شرایط خاص خود را دارد.

۲- نماز در شرایط خاص مانند مسافرت، در حال بیماری، در حال جهاد، در مکانهای مختلف و ... تفاوت‌هایی می‌یابد که یکتاخشی برنامه را از میان می‌برد.

۳- مهمتر از همه اینکه نماز یک برنامه روحانی و عبادی است و کاملاً با برنامه‌های عادی روزمره متفاوت است. بنابراین ممکن است کیفیت و وضع روانی انسان در به جای آوردن هر نماز، یا نماز قبلی و بعدی متفاوت باشد دربارهٔ زمان‌بندی در نماز، باید به مسئله مدیریت زمان یا کنترل هنگام زمان و برنامه توجه کرد. این برنامه مداوم عبادت و خودسازی، زمان‌بندی بسیار دقیقی دارد. به ویژه در خصوص نمازهای یومیه این امر مشهودتر است. نماز در پنج وقت مشخص و با طرحی دقیق به اجرا در می‌آید. زمان‌بندی‌های کلیه برنامه‌ها معمولاً به‌طور قطعی تعیین نمی‌شود، زیرا در تنظیم اقدامات برای زمان آینده همواره محلی برای دخالت موانع و متغیرهای پیش‌بینی نشده باقی می‌ماند.

در زمان‌بندی نماز سه ویژگی زیر ملاحظه می‌شود:

**الف - دقت** - اوقات نماز با معیار قرار دادن ساعت که یک حکم قراردادی میان انسانهاست، تنظیم نشده است، بلکه در تنظیم آن از قوانین عالم خلقت و گردش لیل و نهار

اذان صبح	طلوع خورشید	ظهر	مغرب	نیمه شب
۱		۲	۳	←

می شود هر چه که در وقت خودی آن را می شناسند و به سرعت آن را کشف می کنند این رمز «اذان» نامیده می شود بلکه فکر کردن برای مؤمنان حاوی پیامی خاصی است اما مهمترین پیام آن این است که «حتی زمانی تمام تعهدات فرا رسیده است پس باید برای وقتی به عید شتاب شود. به علاوه این پیام برای اطمینان از وجود آمادگی مؤمنان لازم است: یعنی کسانی که آماده نیستند به سرعت خود را آماده کنند»<sup>۱</sup> تعهداتی است که قلا مطرح شد این فرصت را در اختیار شما قرار می دهد البته در آغاز نتایج و تکثیر آن را در بعضی از سوی مؤمنان است؛ یعنی پیام را در وقت و برنامه اصلی را آغاز کردم.

۲- تأمین و تدارک برای اجرای هر برنامه، نیروها باید به نحو مطلوب تجهیز و مهیا شوند. نماز یک برنامه روحانی است. لذا تجهیز آن هم باید از سطح خود آن باشد، وضو، نجیج از طریق تطهیر است. یعنی اینکه فرد هرگونه ناپاکی و سبامی را می زداید و اکنون با طهارت و مجزه، اجرای برنامه اصلی را برعهده می گیرد.

۳- نظم و ترتیب، در واقع هر یک از برنامه های نماز خود یک فرایند به حساب می آید به این معنی که مراحل بر آن مرتب است.

این ترتیب به وقت رعایت می شود. وضو یک برنامه عملیاتی است، یعنی فرد درحین انجام آن موظف به ادای مجموعه ای از افعال عینی است.<sup>(۷)</sup> آنگاه که هنگام ادای نماز فرا می رسد، علاوه بر عملیات عینی، عملیات ذهنی هم مطرح می شود، برای مثال در حالت قیام فرد در وضعیت ثبات عینی است، اما در همان حال به ترتیب خاصی سوره ها را قرائت می کنند. ترتیب، یکی از واجبات نماز است. به نحوی که رعایت نکردن آن، مجروح برنامه را به ابطال می کشد. این امر

به این ترتیب برای کسانی که معذوریت دارند، وقت نماز صبح از فجر دوم تا طلوع آفتاب، نماز ظهر از نیمروز تا غروب آفتاب، نماز عصر از نماز ظهر تا غروب آفتاب، نماز مغرب، از مغرب تا نیمه شب و نماز عشا پس از نماز مغرب تا نیمه شب است.

علاوه بر این، امکان اقامه نماز قضا برای کسی که به علل موجه موفق به انجام آن نشده است، وجود دارد.

ج - اولویت بندی. علی رغم ضرورت وجود انعطاف در زمان که به منظور رعایت احتمالات صورت می گیرد، برای انجام برنامه، اولویت بندی وجود دارد. برای مثال، وقت مخصوص نماز، نوعی اولویت زمانی به حساب می آید. در کلام معصوم نیز به این امر تأکید شده، چنانچه امام صادق علیه السلام می فرماید: «محبوبترین و برترین کارها پیش خدا نماز اول وقت است»<sup>(۵)</sup> و حضرت رضا علیه السلام نیز فرموده اند: «هرگز نماز را از اول وقت آن به تأخیر بینداز»<sup>(۶)</sup> و در احکام فقهی نیز آمده است که، «مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند... هرچه به اول وقت نزدیکتر شود بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً مسر کنند که نماز را به جماعت بخوانند».

### اجرای برنامه

هر برنامه طراحی می شود که به مرحله اجرا درآید. در برنامه ریزی های دقیق تا آنجا که به اهداف و اصول برنامه لطمه ای وارد نشود تسهیلاتی در نظر گرفته می شود که مجریان قادر به انجام آن و تحقق هدفها باشند. برنامه بسیار خوبی که لباس اجرا به تن نکند، فاقد ارزش و اعتبار واقعی خواهد بود. از این دیدگاه چند نکته قابل بررسی است:

۱- آغاز عملیات، عملیات در نماز با یک دعا شروع

موجود خواهد بود که در نظر شما...

زیادتری در پی داشته باشد. از جمله واگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می کند از دسترس خارج و یا گم شود و چیزی دیگری که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد، چنانچه وقت وسعت دارد، باید نماز را بشکند. همچنین هنگامی که وقت وسعت دارد و امکان پرداخت دین به شکل دیگر وجود ندارد و یا وقتی که انسانی برای نجات جاننش به کمک او نیاز دارد می تواند نمازش را بشکند.

#### ۷- امکان اصلاح برنامه، در برخی مواقع، امکان اصلاح

برنامه وجود دارد. یعنی هنوز انحراف عملیات از اصول و قواعد، آن قدر نبوده است که به بنیان آن آسیب برساند. لذا به دلایل مختلف و مهمتر از همه، پرهیز از تکرار بی دلیل عملیات و حفظ حقوق مربوط به زمان و توان فرد، ضرورتی برای ابطال آن وجود ندارد.

در این خصوص دو وضعیت خاص به چشم می خورد، اول، همچنان که برنامه در حال اجراست، امکان اصلاح آن وجود دارد... مانند وقتی که لباس نمازگذار در بین نماز نجس شود... در صورتی که بیرون آوردن یا آب کشیدن آن، نماز را به هم نمی زند... می تواند نماز را ادامه بدهد و صحیح است. یا اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد پادش بیاید، باید برگردد و بجا آورد دوم بعضاً وقتی که برنامه به پایان رسیده است نیز امکان اصلاح وجود دارد. یعنی با اصلاحیه‌ای که به عمل می آید، برنامه‌ای را که به علود ناقص اجرا شده است قابل قبول می گرداند. اصلاحیه‌های نماز بسته به نوع نقص ایجاد شده عبارت‌انداز «سجده سهو» و «نماز احتیاط».

#### ۸- دقت در اجرا، چنانچه در قالب برنامه همه چیزها به

خوبی پیش‌بینی و طراحی شده باشد، اما عوامل اجرایی با بی‌حوصلگی و کمالت یا آن برخورد کنند، به احتمال زیاد، نتیجه مطلوب عاید نمی شود. به همین

مستولی باشد، نظمی که در هیچ شرایطی نباید خدشه پذیرد.

#### ۴- محل اجرای برنامه، یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده

سازمانها، مکان است. توجه نماز به مکان، نشانه‌دهنده این امر است که در هر جایی نمی توان به اقامه نماز پرداخت. نماز در برخی مکانها باطل است، مثلاً ملک نفسی، یا روی خرمن گندم و جو. در مقابل توصیه می شود که نماز در مساجد و حرم ائمه اطهار (ع) ادا شود.

#### ۵- قطعیت برنامه، به همان اندازه که از انعطاف در قالب

برنامه دفاع می شود، از قطعیت آن نیز حمایت می گردد. در واقع انعطاف یا عدم انعطاف کاملاً بستگی به موضوع آن دارد. به این معنی که در پاره‌ای موارد که ارفاق و انعطاف به اصل و اساس برنامه نطمه می زند یا عوارض بعدی ایجاد می کند، ود می شود، و بالعکس جایی که نشان دادن مقداری نرمش ارکان را سست نمی کند و در عوض مزایایی مانند انبساط انطباق‌پذیری یعنی را به وجود می آورد، انعطاف ضرورت می یابد. در برنامه نماز ماریم که هرگاه مرد چیزی از واجبات نماز را عمداً کم یا زیاد کند، اگرچه یک حرف باشد، نماز باطل است.

#### ۶- قطع برنامه، هر یک از مجریان برنامه باید مطابق با

دستورها عمل کنند تا احتمال دستیابی به اهداف افزایش یابد، اما بعضاً به دلیلی تغییر منظره، اجرای برنامه دچار اختلال می شود. به همین دلیل در نماز امکان شکستن آن وجود دارد البته برای جلوگیری از بی‌مبالائی برخی مجریان، قواعد خاصی بدین منظور وضع شده است.

این امر باعث می شود که مؤمن در صورت باطل شدن نماز، دچار فشارهای روحی نشود، زیرا به دلایل شرعی این عمل مجاز بوده است، در این صورت فرد می داند

می‌پذیرد. دیگر به کارمان سپرده شود.

از جمله معانی این امر در خصوص نماز عبارت است از:  
الف - ادای فریضه نماز بر همه انسانها واجب نیست مهمتر  
و شاخصتر از همه بر کسانی که به سز تکلیف  
نرسیده‌اند.

ب - در گزینش امام جماعت، شرایطی وجود دارد، مانند  
«عدالت»، که در مرحله انتخاب باید مورد توجه قرار  
گیرد.

ج - در نمازهای جماعت و شایف و مسئولیتهای امام و  
مأموم که با یکدیگر تفاوت دارد نمونه‌ای از تقسیم کار  
است.

د - از بین فرزندان مسلم حوزة فقهیه، وی، موظف  
به قضای نماز پدر است.

۲- وحدت فرمان، در مدیریت و حجت فرمان یعنی اینکه  
زیردستان فقط از یک طرف حاکم حقوق دستور بپذیرند.  
در خصوص نماز، وحدت فرمان دو معنی پیدا می‌کند  
که معنای دوم آن رسته به واقعیت و معنی از معنای اول آن  
است.

معنی اول: نماز فرمان خداوند است. مسلمین با ادای  
این فریضه، فرمان‌پذیری خود را اعلام می‌کنند. آنها  
گواهی می‌دهند که شیخ هستند فقط او را می‌پرستند  
و فقط از او مدد می‌جویند. این ویژگی چند بار در قالب  
نماز، بندگی و تحت حاکمیت اعلام می‌کنند.

معنی دوم: در نماز جماعت است. وقتی که مأمومین به امام  
اقتداء می‌کنند البته همچنان که گفته شد این امر خود  
نمایشی از پذیرش بندگی خدای متعال است.

۳- وحدت هدایت، وحدت هدایت در مدیریت، به معنی  
متابعت نیروها از یک هدف، یا هدایت فعالیتها به  
سوی یک مقصد است. در این خصوص نیز وحدت  
هدایت دو معنی پیدا می‌کند:

معنی اول: خداوند بهترین هدایت‌کنندگان است، نماز خود  
وسيلة‌ای برای هدایت به سوی الله و تقرب به اوست.

آن تأکید شده است، پیامبر گرامی اسلام (ص)  
می‌فرماید: «کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را  
سبک بشمارد سزاوار عذاب آخرت است.» (۸) سپس  
انسان باید مراقب باشد که با عجله و شتابزدگی نماز  
نشود، در هر حال نماز به یاد خدا و با خصوص، خشوع و  
وقار باشد...

۹- اقدامات تکمیلی، شاید کلیه هدفهای پیش‌بینی شده، با  
اجرای عملیات به نتیجه نرسیده باشد، یا کیفیت انجام  
آن حایز مطلوبیت کافی نباشد. لذا برای اطمینان خاطر  
از تحقق کامل هدفها و یا ارتقای کیفیت اجرا، انجام  
پارامی اقدامات تکمیلی قابل توجه است.

بار دیگر خاطر نشان می‌سازد که نماز برنامه‌های  
روحانی و فریضه‌ای الهی است که مقصود آن قرب  
الهی است. برای اطمینان از رسیدن به این مقصود،  
و تعقیبات نماز، مطرح می‌شود که جزء مستحبات بوده  
و توصیه شده است.

## سازماندهی

سازماندهی که جزء اصول اساس در مدیریت به  
حساب می‌آید، عبارت است از: «گروه‌بندی فعالیتها که  
برای نسیل به هدفها لازم است و تعیین سلسله مراتب  
نیروهای انسانی در هر گروه از فعالیتها.» (۹) با سازماندهی،  
تقسیم کار و ارتباط بخشی نیروها به سمت هدفهای واحد  
تحقق می‌یابد. مفاهیم اصلی که در این زمینه مطرح  
می‌شود عبارت انداز: تقسیم کار، وحدت فرمان و وحدت  
هدایت، زنجیر فرمان، سلسله مراتب، محیط نظارت،  
سازمان رسمی و غیررسمی و مانند آن، در ارتباط با  
سازماندهی، در نماز، ذکر چند نکته ضروری است.

۱- تقسیم کار، در سازمانهای تولیدکننده کالا و خدمت،  
تقسیم کار برای افزایش تولید مورد توجه قرار می‌گیرد.  
در واقع تقسیم کار، که خود میشد بر شناخت قبلی  
نیروها است، براساس شایستگیها و صلاحیتهای صورت

نماز می‌شایند، مقدمات نماز را به ترتیب خاصی به جا می‌آورند، و به شکلی وحدت یافته نماز را بر پا می‌دارند. برخی از مصادیق عالی هماهنگی در نماز عبارت است از:

- ۱- قرآنت: همه مؤمنین، در هر کجای دنیا و با هر زبانه و زبانی، نماز را با زبان واحدی به جا می‌آورند، قسم آنکه بسیاری از اذکاری که طی برپایی نماز قرآنت می‌شود نیز یکسان است.

- ۲- وحدت هدف: مقصود همه نمازگزاران، تحکیم اعتقاد به کلمه‌الله، تقرب به الله و انجام تکلیف عبادی است.

- ۳- وحدت جهت: همه نمازگزاران رو به یک سو نماز می‌خوانند.

- ۴- وحدت عملیات: نمازگزاران در پیروی از ارکان نماز فعالیت‌های یکسان را انجام می‌دهند.

- ۵- ظاهر متحدالشکل: برای مثال مستحب است که نمازگزار با لباس سفید و معطر و با به دست کردن انگشتری عقیق نماز بخوانند. رعایت این نکات به هماهنگی و وحدت، وجه بیرونی بسیار مناسبی می‌بخشد.

- ۶- نماز جماعت: بارزترین مصداق هماهنگی است. دهها، صدها یا هزارها مؤمن، در صف‌های به هم پیوسته، یکنوگی، همراهی و وحدت خود را به نمایش می‌گذارند. هیچ‌گونه تفرقه‌ای بین عملکردها مشاهده نمی‌شود. همه باهم رو به درگاه احدیت آورده‌اند و رمز موفقیت را عینیت بخشیده‌اند.

چنانکه در سوره حمد و در هر نماز، دو مرتبه از او طلب می‌کنیم که «إِذْ دَنَا الضُّرُّاطُ الْمُشْتَقِبِ».

معنی دوم، وحدت هدایت، در عمل با نمازگزاران به یک سمت مشخص تحقق پیدا می‌کند و آن وقتی است که مسلمین نماز خود را به سوی «قبله» یعنی خاستگاه و پایگاه نخستین توحید به جای آورند.

- ۴- قوانین و مقررات، احکام صریحی که باید و نباید رفتارهای اجتماعی را تعیین می‌کند، مقررات نامیده می‌شود، مقررات عاملی برای تثبیت سازمان به حساب می‌آید. قوانین نماز، با عنوان احکام نماز، شناخته می‌شوند. در خود قوانین طبقه‌بندی‌هایی به چشم می‌خورد. مهمترین آنها مقرراتی است که عدول از آنها به هیچ وجه قابل افاض نیست، مانند «واجبات نماز» و «پاره‌ای از آنها چنانچه به جا آورده شود، مناسبتر است، مانند «مستحبات نماز» و تعدادی که «پرهیز از آنها مناسبتر است مثل «مکروهات نماز». در قالب مقررات استصاف‌های واضح بنامهای مشاهده می‌شود، مانند تفاوت‌هایی که در احکام نماز مربوط به زن و مرد، مسافر و حاضر، سالم و بیمار وجود دارد.

- ۵- سلسله مراتب، علیرغم اینکه نماز برنامه‌ای عبادی و روحانی است، ولی چون نماز جماعت اهداف اجتماعی و سیاسی را نیز دربر می‌گیرد، می‌توان برای آن سلسله مراتبی را در نظر گرفت. مهمتر از همه تبعیت و اطاعت مأمورین از امام جماعت است.

## هماهنگی

هماهنگی در مدیریت یعنی وحدت بخشیدن به عملکرد نیروها در مسیر هدفهای سازمان، این وظیفه به شکلهای مختلف و در قالب برنامه یا اجرا باید مراعات شود.

هماهنگی در نماز، در متعالیترین وجه خود تجلی یافته است. همه مؤمنان با شنیدن صدای اذان، به سوی

## کنترل

کنترل «فرایندی است که از طریق تطابق عملیات انجام شده با فعالیتهای برنامه‌ریزی شده، صورت می‌پذیرد» (۱۰) به عبارت ساده‌تر، کنترل مراقبت از حسن انجام امور است. بدون وجود کنترل ممکن است همه عوامل دست‌اندرکار در حال پیشرفت، اما در مسیر غلط یا رو به سوی پرتگاه باشند. عمرها تلف و منابع مصرف

راست هدایت کند

در نماز صبح کنترل مقدماتی صورت می گیرد، نماز ظهر و عصر به عنوان کنترل ضمنی از اعمال انسان در طول روز مراقبت می کند و نماز مغرب و عشا که باید انسان را به اندیشه روز جزا و اصلاح روزانه هدایت کند، نمونه‌ای از کنترل نهایی به حساب می آید.<sup>۱۶۱</sup> المواره در سازمانها، به امری نیاز هست که کارکنان را مورد بررسی و نظارت قرار دهد، تا سازمان ترسحه انتفاعات کوچکی که روی هم انباشته می شود، دچار خسارتی بزرگ نشود.

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

(سوره عنکبوت، آیه ۴۵)

به این ترتیب نماز تسبیح به امری می شود که در دوره حیات انسان، از زمانی که به حد تکلیف می رسد، از او مراقبت می کند، امتحانی است که می دهد و با آن تمرین وظیفه شناسی می کند و چون کسی که از منافع بی پایان آن بهره مند می شود، خود دوست

من گردد، اما نتیجه‌ای به دست نمی آید. در یک دید کلی، نماز عامل کنترلی برای انسان است تا مطمئن باشد که به سوی پرنگاه یا خصلات حرکت نمی کند. انسان در معرض آلودگیهای مختلف نفسانی است، در این شرایط، در حال دور شدن از ضراط مستقیم و طریق رستگاری و نجات است، یا به عبارت مدیریتی، در حال خارج شدن از مسیر تحقق هدفهای سازمانی است.

قادر متعال نماز را به عنوان تذکر یا یادآوری خطاب می کند و در آیه ۱۱۲ سوره هود می فرماید:

وَأَتِمُّوا الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفُلًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَّ الشَّرَّاتِ ذَلِكَ ذِكْرُنَّ لِلَّذِينَ كَرِهُوا

و به پای دار نماز را در دو سوی روز و پاره‌هایی از شب، همانا خوبیها، بدیها را می برند، این است یادآوری یادآوردگان.

نماز تذکری است که مؤمنان با آن بیدار می شوند و به اصلاح مداوم خود همت می گمارند. و برای موفقیت بیشتر از قادر متعال استمداد می جویند تا آنها را به راه

پی نوشتها

۱. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، ج ۴۴، ص ۵۲.
۲. علاقه بند، علی. مدیریت آموزشی، ج ۳، بهشت، ۱۳۷۱، ص ۳۵.
۳. کلیه نقل قولهای مستقیم فاقد شماره ارجاع، از منبع زیر استفاده شده است:  
امام خمینی (قدس سره)، رساله توضیح المسائل، شماره ۱۶، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ص ۱۷۵-۸۴.
۴. اقتباس از علاقه بند، علی. همان، ص ۹-۳۸.
۵. فهری، احمد. پرواز در ملکوت، آداب الصلوة، ج ۱، انتشارات نهفت زنان مسلمان، ۱۳۵۹، ص ۱۰.
۶. لائزخون الصلوة اول وقتها، البحار، ج ۲۹، روایت ۴۹، باب ۳.
۷. البته هنگام وضو نیز ذکر ادعیه توصیه می شود که جزو مستحبات آن است.
۸. به نقل از امام خمینی (ره) همان، ص ۸۴.
۹. باقرود، جیمز. مدیریت در ترویج، ترجمه محمد چیلزری، معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی جهاد سازندگی، ۱۳۷۳، ص ۵۳.
۱۰. رضاییان، علی. اصول مدیریت، سمت، ۱۳۶۹، ص ۲۳۸.
۱۱. انواع کنترل، اقتباس شده است از: ایران نژاد پازیزی، مهدی و ساسان گهر، پرویز. سازمان و مدیریت: از تئوری تا عمل، مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۳، ص ۸-۲۷۵.